



رپر توار نمایشنامه‌های بیضایی در بجنورد

رپر توار خوانش آثار بهرام بیضایی به مناسبت زادروز این نمایشنامه‌نویس و کارگردان برجسته تئاتر و سینمای ایران، از فردا یکم دی‌ماه در بجنورد آغاز می‌شود. علی‌عابدی، کارگردان تئاتر و برگزارکننده این رویداد، با اعلام این خبر گفت این برنامه تا پنجم دی‌ماه ادامه دارد و اختتامیه آن همزمان با زادروز استاد بیضایی برگزار خواهد شد. به گفته عابدی، در این رپر توار نمایشنامه‌های «پهلوان اکبر می‌میرد»، «افرا یا روز می‌گذرد»، «کارنامه بندگان بیدخش»، «مرگ بزدگرد» و «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» با نقش خوانی بازیگران خراسانی اجرا می‌شود. او با اشاره به انتخاب بازیگران بجنوردی افزود: ترکیبی از هنرمندان پیشکسوت و جوان خراسانی در این برنامه حضور دارند. در کنار نمایشنامه‌خوانی‌ها، علی‌اصغر دشتی کارگاهی با عنوان «از متن مقدس تا صحنه معاصر» برگزار می‌کند و محمد رضایی‌راد نیز در روز پنجم دی‌ماه درباره آثار بهرام بیضایی سخنرانی خواهد داشت. این رویداد با همکاری انجمن نمایش بجنورد و انجمن نمایش تهران، هر شب ساعت ۱۹ در پلاتوشمس بجنورد برگزار می‌شود.



توافق آمازون و نتفلیکس درباره پخش جیمز باند

چند فیلم از مجموعه «جیمز باند» در قالب توافقی میان آمازون و نتفلیکس از ۱۵ ژانویه روی این پلتفرم استریم می‌شوند. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که آمازون ام‌جی‌ام مالک آرشیو باند است و نتفلیکس رقیب مستقیم آن محسوب می‌شود. بر اساس این توافق، مشترکان نتفلیکس در ایالات متحده، کشورهای آلمانی‌زبان، فرانسه، آمریکای لاتین و چند منطقه دیگر می‌توانند به‌مدت سه ماه فیلم‌های «زمانی برای مردن نیست»، «روزی دیگر بمیر»، «ذره‌ای آرامش» و «اسکای فال» را تماشا کنند. علاوه بر این، برخی آثار آمازون از جمله فیلم‌های «راکی»، «کرید» و مجموعه «بلوند قانونی» نیز در دسترس قرار خواهند گرفت. این توافق با نتفلیکس به حفظ علاقه مخاطبان به فرنچایز (حق امتیاز) کمک خواهد کرد. طرفداران منتظر فیلم بیست‌وششم جیمز باند به کارگردانی دنی ویلیو هستند. تاریخ انتشار احتمالاً بعد از سال ۲۰۲۸ خواهد بود.



نمایش آثار کیارستمی و پناهی در نیویورک

آثار عباس کیارستمی و جعفر پناهی از ۲ تا ۸ ژانویه ۲۰۲۶ در سالن سینمای بزرگ نیویورک به نمایش درمی‌آید. در این جشنواره کوچک که با عنوان «پناهی و کیارستمی: دو استاد» برگزار می‌شود قرار است ۱۸ فیلم این دو کارگردان ایرانی به نمایش درآید. برنامه توسط منتقد سینما، گادفری چشایر، طراحی شده است. از جمله آثار برجسته این مرور سینمایی می‌توان به «زیر درختان زیتون» با حضور جعفر پناهی و جلسه پرسش‌وپاسخ، «طعم گیلاس»، «زندگی و دیگر هیچ»، «خانه دوست کجاست؟»، «کلوزآپ»، «باد ما را با خود خواهد برد» اشاره کرد. نمایش نسخه‌های ۳۵ میلی‌متری «بادکنک سفید» و «افساید» نیز از نکات متمایز این برنامه است. این رویداد همزمان با قرار گرفتن فیلم‌تازه پناهی، «یک تلافی ساده»، در فهرست نهایی نامزدهای اسکار بهترین فیلم بین‌المللی به نمایندگی کشور فرانسه برگزار می‌شود.

فرهنگ

CULTURE

۱۴



عکس: Getty Images

امشب، شبِ تکراره

چرا خوانندگان ایرانی تا این اندازه به بازخوانی آثار گذشته علاقه دارند؟



که نه. تازه این نکته را نیز در نظر بگیرید که همین آقای کارگردان و بازیگر که سال‌هاست میان اجراها و سریال‌هایش، می‌خواند؛ لااقل صدایی بهتر از خیل عظیم خوانندگانی دارد که این روزها فروش بلیت کنسرت‌هایشان سر به فلک می‌زند. مگر نه‌این‌که همه‌چیز مان باید به همه‌چیز مان بیاید؟ از همه‌ی اینها گذشته وقتی کپی‌رایت در این کشور نیست، مگر این بار آخر است که اتفاقاتی از این‌دست رخ می‌دهد؟

❖ نبود کپی‌رایت و صاحبان بیچاره‌ی اثر

ترانه‌سرا و آهنگساز به‌مثابه‌ی آفرینندگان جان و روان اثر باکلام شناخته می‌شوند و حقوق ایشان باید پاس داشته شود. در جهان بیرون از این سرزمین که کپی‌رایت به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده، هرگاه حقی از مؤلفان به ناروا یا اِیمال شود، آنان از پشتوانه‌ی قانون برخوردارند تا برای احقاق حق خویش، شکایت کنند. در پاره‌ای موارد، حتی خواننده‌ی نخستین اثر نیز بر پایه‌ی پیمان و قراردادی که با خالقان بسته، خود صاحب حقی مستقل می‌شود و بازخوانی اثر، منوط به موافقت او نیز خواهد بود. در ایران اما در سالیان اخیر، بسیاری از آثار، به‌دور کوچک‌ترین اصطلاح و رضایت صاحبان اصلی‌شان، به تصرف خوانندگان دیگر درآمده و حقوق مادی و معنوی خالقان‌شان زیر پا نهاده شده است. این رویه ناروا، گاه به جنجال‌های حقوقی پرهیاهو و کشمکش‌های طولانی انجامیده که خود، زخمی دیگر بر پیکر هنر است. گسترش پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری موسیقی مانند Spotify، Apple Music، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، بستری فراهم کرده که افراد گمنام یا حتی شناخته‌شده، آثار کلاسیک یا محبوب خوانندگان دیگر را بدون کسب مجوز و پرداخت حق‌الزحمه، بازخوانی کنند و این اثر، میلیون‌ها بار شنیده شود. در کنار آن، موارد متعددی وجود دارد که ملودی یا حتی خوانش کامل یک ترانه‌ی مشهور، بدون اجازه در یک تبلیغات تلویزیونی، رادیونی یا اینترنتی استفاده شده است. این عمل نه‌تنها حق مادی صاحب اثر (خواننده، ترانه‌سرا و آهنگساز) را ضایع می‌کند، بلکه ممکن است با ارزش‌های هنرمند یا محتوای اثر در تضاد باشد و به حیثیت هنری او لطمه وارد کند. از آن گذشته در بسیاری از برنامه‌های استیج، مراسم و حتی



سما بابایی

روزنامه‌نگار موسیقی

همین چندروز قبل بود که «مهران مدیری» در دوبی کنسرت داد و «سوغاتی»، ترانه معروف هایده را براساس ترانه‌ای از اردلان سرفراز و آهنگسازی و تنظیم محمد حیدری و ناصر چشم‌آذر اجرا کرد. اجرایی که اگر چه با ذوق مخاطبان حاضر در کنسرت همراه بود، ولی با واکنش منفی صاحبان اثر روبه‌رو شد و بنیاد فرهنگی ـ هنری محمد حیدری در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این اقدام نه‌تنها از منظر اخلاقی و هنری مردود است، بلکه از نظر حقوقی نیز مصداق تعدی آشکار به حقوق معنوی و مادی خالق اثر و خانواده ایشان محسوب می‌شود.» در بخش دیگر این بیانیه خطاب به مدیری آمده است که شما بدون کسب کوچک‌ترین اجازه از خانواده‌ی گرامی زنده‌یاد استاد محمد حیدری، اثری را که بخشی از حافظه جمعی مردم ایران است، با کیفیتِ ضعیف، اشفته و در تضاد با شأن موسیقایی این اثر، منتشر کرده‌اید. این نخستین‌بار نیست و تکرار این رفتار تأسف‌بار نشان می‌دهد که فقر هنری، بی‌اعتنایی به حقوق مؤلف و نادیده‌گرفتن اصول اخلاقی حرفه‌ای، شما را به چنین تخلفی واداشته است. این بنیاد از واژه‌ی «دزدی هنری» برای این کار مدیری استفاده و او را تهدید کرده است در صورت تکرار بازخوانی آهنگ «سوغاتی» یا هر اثری از استاد حیدری، در دادگاه فدرال آمریکا علیه او شکایت می‌کند.

با همه‌ی اینها نمی‌توان آقای مدیری را در این‌زمینه چندان مقصر دانست، شما اگر توان برگزاری کنسرت در یک سالن مجلل در دوبی را داشته باشید و بتوانید بلیت‌هایتان را با قیمت‌های گزاف بفروشید و همه هم آمده باشند که گل روی خودتان را ببینند و خیلی هم به این کار نداشته باشند که ارکستر کار خودش را درست انجام می‌دهد یا خواننده فالش می‌خواند یا نه، از آن طرف در مملکتی زندگی کرده باشید که «کپی‌رایت» کیلویی چند باشد، این کار را نمی‌کنید؟ به‌احتمال زیاد می‌کنید؛ حتی اگر حالا در ذهن‌تان بگویید

گزارش موسیقی

آلبوم‌های رسمی، خوانندگان جوان یا کمتر شناخته‌شده، آثار پیشکسوتان را اجرا می‌کنند بدون آنکه در معرفی اثر، به صاحبان اصلی آن ادای دین شایسته‌ای بکنند. این کار ضمن کمرنگ کردن نقش خالقان اصلی، این ذهنیت اشتباه را ایجاد می‌کند که گویی همه‌چیز از آن اجراکننده‌ی جدید است.

❖ بازخوانی در موسیقی سنتی ایران

در موسیقی سنتی و ایرانی، بازخوانی آگاهانه نه‌تنها یک شیوه‌ی اجرایی، بلکه عاملی حیاتی در حفظ، انتقال و احیای گنجینه‌ی صوتی فرهنگی تلقی می‌شود. این بازخوانی، وقتی در قامت یک فرایند متفکرانه و پژوهش‌مینا قرار می‌گیرد، می‌تواند ضمن تداوم حافظه‌ی موسیقایی یک جامعه، به فهم دوباره و بازاندیشی نسبت به اصالت‌های موسیقایی بیانجامد. واضح است که موسیقی سنتی ایرانی بر بنیاد ردیف نهفته است؛ مجموعه‌ای از گوشه‌ها و الگوهای ملودیک که بیش از دو سده در بستر آموزش استاد-شاگرد منتقل شده و به‌عنوان اساس زیبایی‌شناسی این موسیقی شناخته می‌شود. این ردیف، از طریق بازخوانی اجرا می‌شود و هر بار با نفس یک اجراکننده‌ی نوین زنده می‌شود؛ بدین‌ترتیب سنتِ موسیقایی نه‌تنها محفوظ می‌ماند، بلکه پویایی خود را نیز حفظ می‌کند. البته بازخوانی‌ایی که در این شکل صورت می‌گیرد، متفاوت از چیزی است که در این نوشته درباره‌ی آن سخن می‌گوییم؛ با این وجود چند نمونه‌ی خوب نشان می‌دهد که بازخوانی، اگر با درک و احترام به متن اثر اصلی همراه باشد، می‌تواند به تثبیت میراث شنیداری کمک کند. بازخوانی تصانیف قدیمی تجویدی توسط علیرضا افتخاری، پروژه‌ی «تنها ماندم» محمد اصفهانی یا بازسازی آلبوم «سپیده» به کوشش محمدرضا لطفی که با درک عمیق از فرم‌ها و سازبندی‌های موسیقی دستگاهی اتفاق افتاد از این جمله هستند و در این‌میان لطفی، اثری را احیا کرد که همچنان در سپهر موسیقی ایران به‌عنوان نقطه‌ی عطف شناخته می‌شود.

❖ بازخوانی در موسیقی نواحی

در موسیقی نواحی ایران، که سنت انتقال آن شفاهی و مبتنی بر اجرای مستقیم استادان و جوامع محلی است، بازخوانی جزئی از سازوکار طبیعی استمرار سنت به‌شمار می‌آید. آوازها و نواهای محلی همچون بخش‌های آوازی مازندران، خراسان، لرستان، بلوچستان و کردستان، از طریق بازارِا توسط نسل‌های مختلف حفظ شده و بدون آن، بسیاری از فرم‌ها و سبک‌ها از بین می‌رفتند. این بازخوانی شفاهی نه‌تنها جنبه‌ی اجرای موسیقایی دارد، بلکه عملکردی تربیتی و جامعه‌شناختی نیز دارد که هویت فرهنگی محلی را تقویت می‌کند.

سیما بینا، از مشهورترین خوانندگان موسیقی محلی ایران، با بازخوانی قطعات مختلف از نواحی مختلف ایران نه‌تنها این آثار را به نسل جدید معرفی کرده بلکه با تنظیم‌های مدرن و نگاه خلاقانه خود، راه را برای پذیرش موسیقی نواحی در سطح گسترده‌تر هموار کرده است. او به حفظ اصالت در کنار نوآوری پرداخته است.

❖ بازخوانی در موسیقی پاپ

بازخوانی (کاور کردن) در موسیقی، پدیده‌ای تازه یا محدود به جغرافیایی خاص نیست؛ بلکه رفتاری فراگیر و جهانی است که از نخستین روزهای ثبت و ضبط موسیقی شنیداری تا امروز ادامه داشته است. این کار نه‌فقط در میان هنرمندان نوپا و آماتور، بلکه حتی در کارنامه‌ی بزرگ‌ترین موزیسین‌های تاریخ نیز حضوری پررنگ دارد. برای نمونه، تصنیف «مرغ سحر» که نخستین‌بار با صدای ملوک ضرابی شنیده شد، در گذر زمان بارها توسط خوانندگان بزرگی چون بنان و محمدرضا شجریان بازخوانی شد و هر بار، با تفسیری تازه به حیات خود ادامه داد. در نمونه‌های آن طرفی نیز، گروه «وان دایرکشن» در کنسرت خود، تیتراژ ابتدایی سریال محبوب «فرندز»، را همراه با هوادارانش همخوانی کرد، یا زمانی که چارلی پوت، پس از درگذشت متیو پری، بازیگر نقش چندلر، همان تیتراژ آشنا را به نشانه‌ی احترام و همدلی با مخاطبانش اجرا کرد. این لحظات، چون یک آیینی جمعی برای یادآوری، سوگواری و همدلی شدند؛ اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که این بازگشت به گذشته و تکرار خاطره‌ها، به تنها داشته‌ی هنرمند بدل شود. در چنین وضعیتی، هنرمند می‌کوشد با تحریک حس نوستالژی مخاطب، راهی سریع‌تر برای رسیدن به موفقیت بیابد. درواقع یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش پررنگ موسیقی امروز به کاور، پدیده‌ای است که می‌توان آن را «حلقی ملودی» نامید. آهنگسازان نسل‌های پیشین همچون همایون خرم، علی تجویدی و مرتضی‌خان محجوبی، ملودی‌هایی آفریدند که چنان در ذهن و جان مردم نشست که گذر زمان نیز نتوانست از قدرت‌شان بکاهد و این مقابلی ترانه‌ها و ملودی‌هایی است که امروزه براساس فرمول‌هایی از پیش تعیین‌شده ساخته می‌شوند و پس از مدتی نیز فراموش می‌شوند. در چنین شرایطی، طبیعی است که یک خواننده برای ایجاد پیوند با مخاطب و تضمین ماندگاری اثر خود، آثار گذشتگان را بخواند و امروزه شاهد بازخوانی گسترده‌ی موسیقی‌های پیش از انقلاب هستیم. در این‌میان خشایار اعتمادی، خواننده‌ی موسیقی پاپ، پدیده «کاور» را نشانه‌ای از افول خلاقیت در تولید موسیقی امروز می‌داند. او معتقد است زمانی که ملودی یک اثر را به صفر می‌رسانیم و تنها با طراحی ظاهری تازه‌ای آن را